

تهران

چراغ انجمن آزادگان سرور دانایان الشیخ الرئیس پرتو یزدان مه تابان باد

ای یار مهربان آنچه کلک مشکین نگاشت شادمانی بخشید و خرمی آورد شبنم نبود دریا بود چراغ نبود پرتو آفتاب بود ستایش و نیایش یزدان مهربانرا که بآفرینش چنین آرایش بخشید و دلها را چنین آسایش داد و بدانائی آسمانی یاران را اختران خاوران کرد و مه تابان فرمود تا پرتو دانائی افروزند و دلها را بریزش باران سخن رشک گلزار و چمن نمایند ای یار مهربان پاک یزدان رهبری کرد تا کوه و بیابان پیمودی و بشهر نیاکان رو نمودی آن کشور بسیار مستمند بود تا توانگری مانند آن مهرپرور بشهر درآید و گفتگو فرماید و راه خدا بنماید و انجمن را براز نهان بیاراید و روزگاری پیاید تا در سایه درخت امید بیاساید باید زبان بگشائی و داد سخن بدهی راز پنهان بنمائی گفتار یزدان بگوئی دبستان آسمان بگشائی نامه‌های آسمانی پیاموزی چراغ روشنی افروزی پرده پندار نادانان بسوزی جانت همدم جانان باد

این سند از کتابخانه دیجیتال دایلد شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۲، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر